



انترناسیونال

۳۲۰

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

جمعه ۸ آبان ۱۳۸۸ ، ۳۰ اکتبر ۲۰۰۹

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

کارگران لوله سازی خوزستان راه نشان میدهند مصاحبه با شهلا دانشفر



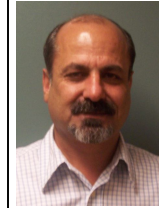
دوست دارم قبل از هر سوال دیگری از شما بخواهم که تصویری بطور خلاصه از این حرکت بدهید.
شهلا دانشفر: کارگران لوله سازی خوزستان یک هفته است که هر روز به خیابان می آیند، راهپیمایی میکنند و خواست خود را فریاد میزنند و با کشاندن اعتراض خود به خیابان، توانستند فضای سیاسی شهر را عوض کنند و حمایت وسیع مردم را به خود جلب نمایند. کارگران لوله سازی خوزستان با پلاکاردهایشان، با

کاظم نیکخواه: تظاهرات و خوزستان و حمایت مردم اهواز از اعتراضات کارگران لوله سازی آنها بسیار مهم و قابل توجه است.



شعار ده ماه حقوق کارگر پرداخت باید گردد به خیابان آمدند و این حرکت اعتراضی، خیلی سریع به اعتراض مردم علیه جمهوری اسلامی تبدیل شد و با پیوستن مردم به کارگران، صف تظاهرات آنها به چند هزار نفر رسید. مردم اهواز وسیعاً و با خوشحالی این موضوع را دنبال میکردند و در این اعتراضات شعارهای مرگ بردیکتاتور، مرگ بر سرمایه دار،

صفحه ۳



ستون اول

محسن ابراهیمی

۱۳ آبان، هراسها و امیدها!

پنج روز به ۱۳ آبان، روز دانش آموز باقی مانده است. بعد از جنش انقلابی عظیم ماههای خرداد و تیر امسال، هیچ وجهی از جامعه ایران دیگر مثل گذشته نیست و نخواهد بود. ۱۳ آبان هم، مثل همه روزها و سالگردها و مراسمها، حال و هوای دوران بعد از عروج جنش انقلابی مردم را دارد.

برای توده های میلیونی مردم در ایران، امروز بسیار بیشتر از گذشته، هر روز و هر سالگرد و هر مناسبتی، در وحله اول منفذی برای ابراز خشم و نفرت علیه حکام اسلامی، مجرای برای ابراز وجود سیاسی، سنگری برای رویارویی با قدرت حاکم، پله ای برای جهش بیشتر بسوی سرنوشتی، و در يك کلام ادامه جنش انقلابیشان برای بزیر کشیدن حکومت اسلامی است. مردم، جوانان و زنان و کارگران، در هر کدام از این روزها و از طریق هر کدام از این روزها یکبار دیگر عزمشان برای سرنوشتی را اعلام میکنند، قدرتشان برای مقابله با رژیم را نشان میدهند و اتحادشان علیه ارتجاع حاکم را تقویت میکنند. مردم با هر کدام از این روزها، یکبار دیگر اعلام میکنند که نبردشان با جبهه استثمار و فساد و تباهی و عقب ماندگی و خرافات و اعدام و شکنجه و تجاوز ادامه دارد؛ که مبارزه شان تا برچیدن کامل این دستگاه قتل و جنایت تعطیل نخواهد شد.

در آستانه ۱۳ آبان، در میان همه کسانی که با امید و آرزوی ویران کردن دستگاه فساد و ستم اسلامی روزشان را

صفحه ۲

کنگره هفتم حزب کمونیست کارگری در دسامبر برگزار میشود.

کنگره حزب علنی است و ورود برای عموم آزاد است.

حزب کمونیست کارگری، حزب همه انسانهایی است که آزادی میخواهند، برابری میخواهند، رفاه و امنیت و شادی میخواهند. در کنگره حزب شرکت کنید.

در صفحات دیگر:

**اعتصاب هشدار کارگران متروی تهران
لیست کمک مالی به کانال جدید
نجات سه نوجوان از اعدام**

بازتاب هفته:

- * کابوس فسیلهای حکومت و "انقلاب فرهنگی"
- * بشارت آخر
- * ارتباط حذف یارانه ها و پرونده کهریزک!
- * زندانیان سیاسی و معضل جمهوری اسلامی

علیه ماشین جنایت

حکومت اسلامی پیا خیزیم!

روز ۲۰ اکتبر

روز اعتراض جهانی علیه اعدام در ایران
ص 8

لغو مجازات اعدام

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (قصد عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.

از "یک دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱ ستون اول

آغاز میکنند، یعنی در میان میلیونها انسان، تحرکی وسیع در جریان است که این روز را هم به کابوسی دیگر برای حکومت اسلامی تبدیل کنند. در پشت خرواری از رجزخوانیها و خودفریبیها و استخاره ها و دعاها و وحشت سران ریز و درشت حکومت، نسلی پرشور و مصمم خود را آماده میکند که ۱۳ آبان را هم به ۱۶ آذرها و ۸ مارسها و اول مه ها وصل کند. این نسل سایه سنگین سانسور اسلامی را در هم میشکند، قرار مراهایش را میگنارد، پیش بینی هایش را انجام میدهد، شعارهایش را آماده میکند، و خود را برای یک رو در رویی دیگر با باند اسلامی حاکم، با حکومت اسلامی آماده میکند. جامعه یکبار دیگر آماده میشود تا خیابانها را با طنین شعارهای مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر جمهوری اسلامی بلرزاند. جامعه آماده میشود تا ضربه ای دیگر بر جمهوری اسلامی وارد کند.

در مقابل چنین تلاشی، هم در صف جناح حاکم و هم در صف جناح مغلوب نظام اسلامی نگرانی فقط یک چیز است: تبدیل شدن ۱۳ آبان به روزی دیگر علیه کلیت نظام اسلامی و گسترش آن به یک انقلاب تمام عیار علیه کل نظام اسلامی.

صف اپوزیسیون درون حکومتی، دست اندر کاران دیروز و مغضوبین امروز، همان رسالتی را پیش میبرد که به خاطرش اپوزیسیون شده است: رسالت حفظ نظام در مقابل تعرض انقلابی مردم. این اپوزیسیون درباری-اسلامی، همان اپوزیسیونی است که هراس از انقلاب مردم ناگزیرش کرده با همکیشان و همزمان و هم حکومتیهای سابقش شاخ تو شاخ شود. اینها همانهایی هستند که دیروز زمام امور دولت و دادگاه و سپاه و زندان در دستشان بود و امروز مغضوب شده اند. همانهایی هستند که اتفاقا در همین روز دانش آموز، در سال اول بعد از انقلاب ۵۷، به نام خط امام و تحت نظر و حمایت مستقیم امام خونخوارشان، نمایش تسخیر سفارت آمریکا را انداختند تا با بسته بندی مبارزه با "آمریکای جهان خوار"، ارتجاع اسلامی را در ایران در مقابل توقعات انقلابی و

انسانی مردم انقلاب کرده ضمانت کنند و در جهان به نقطه امید مردم محروم متنفر از نظامهای فاسد سر به آمریکا تبدیل کنند. اینها از مردمی که مصممند علیه امام و وراثت انقلاب کنند میخواهند که به دوران خود امام و "خط امام" برگردند. اینها از مردم میخواهند به خاطر چیزی به خیابان بیایند که در مقابلش قد علم کرده اند: "اجرای بدون تنازل قانون اساسی جمهوری اسلامی!" اینها با کمال بیشرمی مردم را دعوت میکنند جانشان را فدای چیزی بکنند که میخواهند پایش دهند: "جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم نه یک کلمه زیاد!" اینها از مردمی که کل ساختار حکومت اسلامی را با شعارهای "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر خامنه ای"، "مرگ بر جمهوری اسلامی" هدف گرفته اند میخواهند از شعارهای "ساختار شکن" پرهیز کنند!

این صف، زانده هایی در خارج از حکومت دارد که از انقلاب مردم بیشتر از نظام اسلامی هراس دارند. اینها هم رسالت اپوزیسیون اصلاح طلب درون حکومتی را در خارج از حکومت ادامه میدهند. یا مشغول این هستند که نسل جوان بیزار از مذهب و حکومت مذهبی را قانع کنند که حکومت سکولار در ایران جایی ندارد و باید به تفسیر درستتر از قرآن متوسل شد (شیرین عبادی). و یا اصلا کاتولیک تر از پاپ شده اند و یاران قدیم امام خمینی را راهنمایی میکنند که مبادا به شعارهای رادیکال تن دهند. (حجت السلام والمسلمین فرخ نگه دار).

در صف جناح حاکم چه خبر است؟ هنوز آیت الله ها از کابوس قدس فارغ نشده اند که کابوس ۱۳ آبان سراغشان آمده است. هنوز فریاد "مرگ بر دیکتاتور" در روز قدس در گوشه پایشان زنگ میزند که کابوس "مرگ بر دیکتاتور" در ۱۳ آبان به هراسشان انداخته است. حکومتی که حتی روز خودش مثل "روز قدس" هم در امان نیست، مجبور است هر چیزی که در چنجه دارد را بکار بگیرد تا این روز را هم با کمترین

تلفات پشت سر بگذارد. واکنش حکومت به روز ۱۳ آبان، ترکیبی از خود فریبی و فریبکاری و ارباب و در عین حال ادای اهل مدارا در آوردن است.

سران حکومت، از آیت الله ها تا سرداران اسلام، ریش تا ریش در مقابل "خطر" ۱۳ آبان صف کشیده اند. فرمانده نیروی انتظامی "توصیه" کرده است که هرکس می خواهد تجمعی داشته باشد، "محوهای لازم" را بگیرد تا از "چتر امنیتی" ناجا بهره مند شود! استاندار تهران، هشدار داده است که با تجمعهای غیرقانونی "برابر قانون" رفتار خواهد شد! (به زبان آدمیزاد یعنی زنجیر اوباش بسیجی و سپاهی و انتظامی را ول خواهند کرد). و فرمانده سپاه سیدالشهدا "خطر" را گوشزد کرده است که "اگر مراقب نباشیم در آینده مشکلات جدی تری را خواهیم داشت!" و بالاخره حرف اصلی را فرمانده کل سپاه بیان کرده است: "حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران از ادای نماز واجبتر است، اگر تصور کنیم خطراتی نظام را تهدید نمی کند اشتباه فکر کرده ایم. نمی توانیم بگویم فتنه ها کاملاً سرکوب شده و شعله های آتش آن خاموش شده است." دقیقاً این چنین است. اصلاً شان نزول نماز و روزه و حج و قرآن و سنت و امام و شریعت تماماً به خاطر حفظ نظام است. همه این بساط رنگارنگ و خونی مقدسات آسمانی به خاطر حفظ خود نظام اسلامی در زمین پهن شده است. همه این اشباح پاک آسمانی برای حفظ جیب آیت الله های میلیاردر از معرض خشم گرسنگان در زمین ساخته شده اند و بالاخره همه این تقلاها به خاطر این است که "خطراتی" - خطر سرنگونی - نظام را تهدید میکند و "شعله های آتش آن" خاموش نشده است. و ما این را اضافه میکنیم که این شعله خاموش نخواهد شد تا لحظه ای که کل این بساط خون و چرک و خرافه و جنایت را بسوزاند و خاکستر کند. ۱۳ آبان میتواند شعله ای از شعله های این آتش باشد که کل این عمارت اسلامی را در کام خود خواهد کشید.*

تلویزیون کانال جدید

مشخصات کامل کانال جدید به این شرح است :

هات برد ۸

۱۲ درجه شرقی

ترانسپوندر ۱۴

فرکانس ۱۱۴۷۰ مگاهرتز

پولاریزاسیون : عمود ی

سیمبل ریت ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۵/۶

www.newchannel.tv

تلفن های تماس :

۰۰۱۰۵۰۲۳۳۴۱۷۴

۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تشییت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته

۲- آزادی زندانیان سیاسی

۳- لغو مجازات اعدام

۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی

۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد

۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد

۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب

۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت

۹- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان

۱۰- تامین و تضمین یک زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به یک میلیون تومان

این فرمان جنبش آزادیخواهانه مردم است. اینها خواسته های حداقل و فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند.

مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

از صفحه ۱ کارگران لوله سازی خوزستان...

یا مرگ یا عدالت، فرماندار بی عرضه استعفا استعفا، مرگ بر نیروی انتظامی در مرکز شهر اهواز طنین انداز شد. نکته قابل توجه در مبارزه کارگران لوله سازی خوزستان، اتحاد و همبستگی و به کارگیری اشکالی از مبارزه بود که توانست توجه و حمایت مردم شهر را بخود جلب کند و این کارگران را برای پیگیری خواستشان در موقعیت قدرتمندتری قرار دهد. به این معنی که شکل اصلی این حرکت، بیرون بردن اعتراض از کارخانه به خیابان و به میان مردم بود. کارگران هر روز در وسط شهر در خیابان نادری اجتماع برپا میکردند، و همانجا در جمعشان تصمیم گیری کرده و برنامه اعتراض روز بعدشان را روشن میکردند. بدین ترتیب برپایی هر روزه مجمع عمومی یک نقطه قوت دیگر حرکت اعتراضی کارگران لوله سازی خوزستان بود. خلاصه اینکه در ادامه این راهپیمایی ها و تظاهرات بود که روز ۴ آبان، در همان اول صبح تعدادی از کارگران این کارخانه دستگیر شدند و نیروی انتظامی با محاصره کارگران مانع پیوستن مردم به صف اعتراض آنان شد. اما کارگران اعلام کردند که روز بعدش

نیز به خیابان خواهند آمد و تا خواستشان پاسخ نگیرد به تظاهراتشان ادامه خواهند داد. و سرانجام روز ۵ آبان هنگامیکه کارگران در کارخانه جمع شده بودند، تا مثل روزهای دیگر به بیرون از کارخانه بروند و راهپیمایی کنند، نیروی انتظامی وسیعا در محل مستقر شد و مانع خارج شدن کارگران از کارخانه گردیدند. ضمن اینکه سراسیمه از گسترش بیشتر این حرکت اعتراضی به سطح شهر، در این روز سرهنگ خلیفان از مقامات نیروی انتظامی به میان کارگران رفت و وعده داد که تا دو روز آینده دستمزد یک ماه کارگران و بعد هم بتدریج تمام طلبهایشان پرداخت خواهد شد. کارگران دستگیر شده نیز از بازداشت آزاد شدند. بدین ترتیب کارگران موقتا به ادامه تظاهرات خود در مرکز شهر اهواز خاتمه دادند. و اعلام کردند در صورتیکه تمام طلبهایشان پرداخت نشود در اشکال گسترده تری به اعتراض خود ادامه خواهند داد. بدین ترتیب می بینید، که مبارزه کارگران لوله سازی خوزستان بطور واقعی یک قدرتمندی از جانب کارگران بود و به کل کارگران و کل مردم در سطح جامعه راه نشان داد. کارگران لوله سازی خوزستان



حقوقهایشان موقتا به اعتراضشان خاتمه دادند. طبعاً همانطور که خود کارگران لوله سازی اعلام کرده اند، مساله پایان نیافته است و کارگران لوله سازی خوزستان باید برای اولتیماتوم خود زمان تعیین کنند تا آنها را سر نداوندن وظی بیانیه ای به دولت و کارفرما اعلام کنند که اگر به وعده خود عمل نکنند، دوباره اعتراضشان را از سر گیرند و این بار با خانواده هایشان و باز هم در وسط شهر، در قلب شهر اهواز اعتراض خود را به پیش خواهند برد. همچنین این مهم است که وقتی این کارگران با چنین استقبال از سوی مردم اهواز روبرو میشوند، ضمن قدردانی از حمایت پر شور آنان، طی بیانیه ای مردم را از تصمیم خود و چگونگی ادامه مبارزه شان مطلع نگاه دارند. در هر حال من از همین فرصت استفاده میکنم و به سهم خودم به کارگران لوله سازی خوزستان و به مردم اهواز درود میفرستم و دست سازماندهندگان و رهبران این حرکت اعتراضی مهم را بگرمی میفشارم.

کاتلم نیکخواه: بنظر شما اهمیت و جایگاه این حرکت چیست؟
شهلا دانشفر: حرکت کارگران لوله سازی خوزستان به نظر من یک اتفاق

سیاسی مهم در این هفته بود که به نوبه خود نوید دهنده به میدان آمدن قدرت کارگران است. این کارگران قبلاً هم بارها و بارها در رابطه با دستمزدهای پرداخت نشده خود تجمعات اعتراضی برپا کرده، به

کاتلم نیکخواه: تا چه حد فکر میکنید این نمونه یعنی راهپیمایی و تظاهرات و جلب حمایت مردم از اعتراضات کارگران، به یک الگوی همه گیر و سراسری در میان کارگران در سراسر ایران تبدیل شود؟

شهلا دانشفر: همانطور که قبلاً هم اشاره کردم، به نظر من اعتراضات کارگران لوله سازی خوزستان میتواند به یک الگوی موفق همه گیر و سراسری در میان کارگران و در سراسر ایران تبدیل شود. مبارزات کارگران لوله سازی خوزستان در واقع به کل کارگران و کل جامعه راه نشان داد. نقطه قدرت اعتراضات کارگران لوله سازی خوزستان اتخاذ شیوه هایی از اعتراض و مبارزه بود، که مبارزه را از کارخانه به خیابان ها و به قلب شهر اهواز کشاند و توانست فضای کل شهر را تحت تاثیر خود قرار دهد. بویژه مساله ای چون خواست دستمزدهای پرداخت نشده، مساله بخش عظیمی از کارگران در مراکز مختلف کارگری است و عین این اتفاق و حتی گسترده تر از آن در بسیاری از مراکز کارگری در تهران و در بسیاری از شهرها میتواند رخ دهد. حرکت کارگران لوله سازی خوزستان نشان داد که امروز کارگران با کشاندن اعتراضات خود به خیابانها، میتوانند، فضای سیاسی شهرها را به تحرك درآورند و در موقعیت بسیار قدرتمند تری قرار گیرند. در تداوم چنین مبارزاتی است که کارگران میتوانند نه تنها دستمزدهای خود را نقد کنند و علیه بیکارسازیهایی بایستند و خواهان افزایش فوری دستمزدها و دیگر خواستهای صنفی خود گردند، بلکه پرچمدار خواستهایی چون، محاکمه سران جنایتکار رژیم بخاطر سرکوب و جنایتشان و آزادی فوری تمامی زندانیان سیاسی و دیگر خواستهای سیاسی خود و کل جامعه باشند و ده خواست فوری مردم را که ما همواره بر روی آنها تاکید گذاشته ایم، را فریاد بزنند.

به عبارت روشنتر شما میتوانید تصور کنید که اتفاقی که در شهر اهواز افتاد، عیناً و در ابعاد گسترده تری میتواند در سراسر ایران روی دهد و دامنه اش بسیار فراتر رود. از جمله هم اکنون کارگران مخابرات راه دور در شیراز ۹ ماه است دستمزد خود را نگرفته اند و در همین هفته در ۴ آبان کارگران این کارخانه در مقابل استانداری استان فارس دست به تجمع اعتراضی زدند و با سر دادن شعرهایی چون "زندگی و معیشت حق

مسلماًست"، "بخش خصوصی شدید بیکار و بی پول شدیم" دست به اعتراض زدند. همینطور، صبح روز ۲ آبان، کارگران چینی البرز در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق وعده های دروغین کارفرما، برای مدتی جاده اصلی شهر صنعتی البرز را مسدود کردند و در همین روز کارگران متروی تهران در اعتراض به عدم پرداخت چند ماه حقوق خود به مدت یکساعت و نیم دست به اعتصاب هشتادای زدند و مسئولین شرکت متروی تهران یک ساعت پس از شروع اعتصاب، سراسیمه اعلام کردند که طی چند روز آینده تمام طلبهای کارگران پرداخت خواهد شد. همینطور کارگران خباز سندج و سقز نیز با خواست افزایش حقوقهایشان اولتیماتوم به اعتصاب داده اند و دهها مرکز کارگری دیگر در اعتراض و مبارزه هستند. معلمان هم بیش از یک دهه است که در اعتراض هستند و هنوز هیچیک از خواستهایشان پاسخ نگرفته است. بنابراین می بینید که چگونه همه مراکز کارگری و کل جامعه در حالتی انفجاری قرار دارد. در چنین شرایطی نقش و جایگاه اعتراضات کارگری را به روشنی میتوان دید. نقش طبقه کارگر بعنوان طبقه ای که میخواهد استثمار نباشد، فقر نباشد، نابرابری نباشد، و بطور واقعی میتواند پرچمدار خواستهای کل جامعه علیه فقر و گرانی و بیحقوقی و برای داشتن جامعه ای انسانی باشد.

کاتلم نیکخواه: الان چندین میلیون نفر از کارگران با فشار و سختی و مشقت ناشی از نپرداختن دستمزدها مواجهند. این وضعیت فشار سنگینی را بر خانواده های کارگری گذاشته است. که یک نمونه اش همین کارگران لوله سازی خوزستان هستند که بخشی تا ۱۳ ماه حقوق خود را نگرفته اند. آیا بنظر شما راهی وجود دارد که در قدم اول کارگران بتوانند از طریق آن خود را از این فشار خلاص کنند تا بتوانند به خواستهای دیگر خود فکر کنند و در مورد آنها اقدام کنند؟ شما چه راهی را مقابل آنها میگذارید؟

شهلا دانشفر: همانطور که اشاره کردم و شما هم تاکید کردید هم اکنون چندین میلیون نفر از کارگران با معضل دستمزدهای پرداخت نشده روبرو هستند. آنهم در شرایطی که سطح دستمزد کارگر یک چهارم تا یک پنجم خط فقریست که خود رژیم اعلام کرده است و این جنایتکاران حتی همان دستمزد ناچیز را هم ماهها به کارگر

بازتاب هفته

کاظم نیکخواه

ویراستار:

کابوس

فسیلهای حکومت و "انقلاب فرهنگی"

کاظم نیکخواه



ترسشان از دانشگاه و کتاب و علوم بجاست.

جمهوری اسلامی وقتی از انقلاب فرهنگی میگوید دارد از آرزوهای بریاد رفته اش سخن میگوید نه از کاری که میتواند به آن دست بزند. اینها دلشان میخواهد که مثل طالبانهای افغانستان و پاکستان، علم و علوم را به احادیث و قرآن و کتب عهد عتیقی و ارتجاعی محدود کنند و جز این کتابها همه چیز را بسوزانند. میخواهند چشمها و گوشها را ببندند. میخواهند دانشگاهها به حوزه های علمیه تبدیل شوند. یک بار در سال ۵۹ توانستند با ابتکار کسانی چون سروش و همین موسوی و خلیل جنایتکارانشان جنایت سازمان یافته ای بنام "انقلاب فرهنگی" را در دانشگاهها پیاده کنند و صدها استاد و هزاران دانشجوی را از دانشگاهها اخراج کردند. صدها نفر را به زندان انداختند و شماری را اعدام کردند. اما علیرغم همه تصفیه ها و فیلترها و جنایاتشان بازهم نتوانستند دانشگاه را به سنگر ارتجاع تبدیل کنند. دانشگاه بازهم به فاصله کوتاهی به سنگر انقلاب و رادیکالیسم و آزادیخواهی تبدیل شد. اکنون در شرایطی که ناقوس مرگ حکومتشان به صدا در آمده، یکی بفرک انقلاب فرهنگی است. یکی بفرک دوره امام است. یکی بفرک پایه ریزی علوم بر اساس قرآن است، و یکی هم خواب دوره لاجوردی را می بیند. اما اگر مردم در این روزها نتوانستند ناچارشان کنند که از جنایاتشان در کهریزک به غلط مردم بیفتند، اگر نتوانستند مجبورشان کنند با رسوایی تمام در پی کتمان قتل ندا و صحنه سازیهای مسخره باشند، قطعا از فکر انقلاب فرهنگی در دانشگاهها هم پشیمانان خواهند کرد. دوره

انقلاب فرهنگی گذشته است. دوره، دوره انقلاب دیگری است که به کل این بساط پایان میدهد.*

بشارت آخر

یاشار سهندی

حداد عادل را اگر به سبب ریاست مجلس در دوره هفتم نشناسیم، اگر او را حتی به عنوان "رئیس فرهنگستان زبان" جمهوری اسلامی نشناسیم که مثلا پیشنهاد میکند به جای "پیترا" بگویم "کش لقمه"! اما این را همه میدانیم که طوطی "آقا" است، که طبع شعرش فقط در محضر آقا شان کل میکند. ایشان به طبیعت از "مقتدایش"، معتقد است آقا همه را "هم از دروغ پردازی، تهمت زنی و رفتارهای خلاف اخلاق پرهیز دادند و هم همه را به حفظ وحدت دعوت و تأکید کردند." و خطاب به یارانی که از دارالخلافه حکومت رانده شده اند و به سبب سی سال جنایت از سوی مردم نیز دست رد به سینه شان خورده چون میدانند که "احیای دوران امام" و "اجرای اصول معطل مانده قانون اساسی" مردم به جان آمده را ساکت نمی کند، در مصاحبه با سایت تابناک گفته اند که موسوی و کروی و شرکا باید به نوعی توبه کنند و به صراط آقا برگردند. حداد عادل از "آقایان" خواسته "صریح" باشند و بر علیه "ضدیت با آرمان امام" در این ایام اخیر موضع بگیرند. چند روز پیش هم کیهان از ایشان خواسته بود "مرگ بر اسرائیل" بگویند! تواب سازی امری است که تنها شامل "غیرخودیها" نمیشود. بلکه "خودیها" هم باید هر چند وقت یکبار توبه کنند و "دست بیعت با آقا" بدهند. توکلی وزیر کار سابق جمهوری اسلامی هم قبلا به موسوی و کروی نامه نوشته بود و گفته بود در مورد شعارهای روز قدس مثل مرگ بر خامنه ای و امثالهم که مردم سر میدادند اعلام برائت کنند و آنها هم بهرحال برائت کردند.

این "آقایان" نیز مثل مخملباف نرزه میرقصند، به هزار یک زبان دارند میگویند فقط امام و قانون اساسی و جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم نه یک کلمه زیاد. موسوی برائت از "جریان ضدیت با آرمان امام" در دیدار با کارکنان روزنامه بسته شده خویش را اینگونه بیان میکند: "شعارهای افراطی ناشی از عصبانیت است. به نفع همه ماست که شعارهایی متناسب با ظرفیت کشور طرح کنیم و از طرح شعارهای تند و غیرمنطبق با وضعیت کشور بپرهیزیم" یا محسن آرمین از سران مجاهدین انقلاب اسلامی میگوید: "نامیدی، یأس و یا طرح شعارهای رادیکال که نتیجه ای جز ایجاد پراکندگی در صفوف جنبش سبز اثر دیگری ندارد نشانه برخورد غیر مسئولانه با آن است و نتیجه ای جز ایجاد و پراکندن یأس و ناامیدی در جامعه ندارد وی تأکید کرد: نباید حساس شدن جامعه به سرنوشت خویش را به معنای آسودگی جامعه برای پذیرش شعارهای رادیکال و ساختار شکن تلقی کرد." همه ما البته میدانیم شعارهای "رادیکال و ساختار شکن" یعنی چه. ایشان یک اعتراف دیگر هم در مورد دوره دوم خرداد و دوره خاتمی کردند و آن اینکه "در آن دوره ما نگران بودیم که اعتراضات به خیابان کشیده شود و کنترل از دستمان بیرون برود" ما هم به اینها قبلا گفته بودیم که نگرانی اصلی شان از به خیابان آمدن مردم است نه از جناح مقابل. اکنون هم دقیقا همین است اما دیگر کاری از دستشان ساخته نیست.

درخواست حداد عادل و کیهان و امثالهم از "آقایان" بی دلیل نیست هم ایشان و هم "آقایان" میدانند که اعتراضات نه برای احیای دوران امام بلکه برای برچیدن کل بساط جنایت امام است. از واشنگتن تا لندن و تالارهای مجلس اسلام، از پستوهای حوزه علمیه تا اردوگاه های مرگ کهریزک و اوین، همه هر چه در چنته داشتند بکار انداختند تا شاید بتوانند جلو سیلاب حرکت مردم را بگیرند؛ اما نمونه آخر آن در اهواز که اینبار رسماً کارگران پیشقدم شدند بیش از پیش مرگ سیاسی را جلو چشم ایشان آورد و نشان داد کاری از "آقایان" بر نمی آید و نمی توانند جلو این خیزش

انقلابی را بگیرند. و ما به آقای حداد عادل نوید میدهیم که کارشان به همراه "آقایان" تمام است. و اینبار اگر طبع شعرشان گل کرد و خواستند شعر و ترانه ای بسرایند باید در محضر آقا غزل مشهور خداحافظی را بسرایند و زمزمه کنند!*

ارتباط

حذف یارانه ها و پرونده کهریزک!

شهلا دانشفر

یک بحث داغ این یکی دو هفته، مساله موافقت مجلس با حذف "یارانه کالاهای اساسی" است. حذف همان چندرفاز یارانه ای که به کالاهایی چون گندم، برنج، شکر، روغن تعلق می گرفت. تصمیمی جنایتکارانه که هدفش تحمیل فقر و بدبختی بیشتر بر گرده جامعه است. حسن ونای عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در گفتگو با رادیو فردا در رابطه با این تصمیم میگوید: "قیمت تمام شده هر کیلو آرد در کشور ۵۰۰ تومان است، ولی آرد به قیمت هر کیلو پنج تومان در اختیار تولید کنندگان قرار میگیرد، و این ماهه تفاوت باید بتدریج اصلاح شود." معنی عملی این صحبت ها و تاثیر آن بر زندگی و معیشت کل جامعه روشن است. قرار است قیمت نان و متعاقب آن قیمت کالاهای دیگر صد برابر افزایش یابد. جالب اینجاست در این میان پرویز سروری نماینده مجلس اسلامی در گفتگو با خبرنگاران هنگامی که از غرقه "تابناک" در نمایشگاه مطبوعات دیدن میکرد زیر فشار سوالات در مورد کهریزک قرار گرفت و در پاسخ این سوال که چرا این پرونده ها به تاخیر افتاده میگوید فوریت داشت و نرسیدیم مساله سرکیسه کردن مردم بوده و وقت رسیدگی به جنایات کهریزک را نداشته است. یک عده ای در کهریزک مشغول جنایت بوده اند و یک عده ای هم در مجلس. فی الواقع تصویب حذف یارانه ها از

بازتاب هفته

کالاهای اساسی، آن هم در شرایطی که فقر و فلاکت و دستمزدهای زیر خط فقر بیداد میکند، جنایتی دیگر از سوی جمهوری اسلامی است و هنوز پرونده کشتارشان در کهریزک روی میز است، که مجلس اسلامی با تصویب این لایحه عملاً آن را هم از سفره مردم جمع میکند.

صحت پرویز سروری به نکته مهم دیگری نیز اشاره دارد که در مورد ماجرای "طرح یارانه ها" نیز میتواند برای رژیم درس آموز باشد. آنهم وحشت این حضرات از ماجرای

کهریزک است. اینها با سیاست ارباب و شوک و کشتار کهریزک خواستند انقلاب مردم را عقب زنند، مردم ایستادند و با شعار توپ تانک شکنجه دیگر اثر ندارد جوابشان را دادند. و امروز رژیم در برابر این جنایات و فشار مردم مانده است.

فریاد و جنبش محاکمه سران این رژیم مدتهاست شروع شده است. و در همین هفته مادران جانباختگان اخیر، مادر ندا آقا سلطان، سهراب اعرابی، اشکان سهرابی، مسعود هاشم زاده، بهزاد مهاجر و امیر

جوادی فر در گفتگویی با سایت خبری "روز همگی بر این تاکید داشتند که عاملین و آمرین کشتار اخیر باید محاکمه شوند و اگر پاسخشان داده نشود، موضوع را

جهانی خواهند کرد. موضوعی که بطور واقعی جهانی شده است و امروز هر جا که مقامات جمهوری اسلامی در برابر خبرگزاری های جهانی قرار

میگیرند، مساله قتل ندا آقا سلطان بعنوان سمبل کشتارهای اخیر و پرونده کشتار کهریزک اولین سوالاتی است که در مقابلشان قرار

میگیرد و این حضرات در برابر این سوالات لکننت زبان میگیرند. از همین رو تلاش دارند از این موضوع طفره روند، و بطور مثال خامنه ای که خود فرمانده کل قوا و فرماندهنده این کشتارها بود،

اعلام کرد که کهریزک را نباید عمده کرد، مسایل مهمتری در کار است. بله اینها از کهریزک وحشت دارند، از جنبش انقلابی مردم وحشت دارند. و اینکه امروز پرویز سروری پرونده کهریزک و سرمشغولی مجلس اسلامی بر تصویت حذف یارانه ها را کنار هم میگذارد بیش از هر چیز بر این حقیقت اشاره دارد که اینها دو پرونده از جنایات رژیم است که برایش گران تمام میشود و کل بساطش را در هم می پیچد.

از جمله در همین رابطه حسن سبحانی نماینده پیشین مجلس اسلامی طی نامه ای به لاریجانی رییس قوه قضاییه جمهوری اسلامی، ضمن هشدار نسبت به تبعات اجتماعی اجرای لایحه "هدفمند کردن یارانه ها"، خواستار اتخاذ تدابیر لازم از سوی مسئولان قوه قضاییه میشود. او اعتراف مهمی میکند و آن اینکه جمهوری اسلامی و نظام ناعادلانه حاکم است که تولید کننده مجرمین است. و اینکه مجرمین خود قربانیان حکومت و نظام اسلامی سرمایه هستند. به این جملات دقت کنید: "اینجانب از هم اکنون صحنه های محاکمه انسان های شریف بسیاری را می بینم که متأثر از اجرای این قانون گرفتار پی آمدهای رکود، تورم، بیکاری، از هم پاشیدگی خانواده ها، عدم امکان و فرصت رسیدگی به تربیت فرزندان، سوء رفتارهای فردی و اجتماعی و... گردیده و بعضاً در هیأت "مجرمان" تن به قضاوتهایی داده اند که بر آن است آنان را تأدیب و از وقوع جرمهای بعدی پیشگیری نماید و قضات محترمی را می بینم که هر چند در محضر دادگاه، مجرمان متأثر از آثار منحوس تورم و بیکاری و فقر را محاکمه می نمایند."

آری آنانکه که بعنوان مجرم توسط حکومت اسلامی محاکمه میشوند قربانیانند و آنانکه محاکمه

میکنند خود مجرم و جنایتکارند. این حقیقت را امروز دست اندرکاران حکومت هم فهمیده اند.*

زندانیان سیاسی و معضل جمهوری اسلامی

محمد شکوهی



اواخر خرداد ماه امسال جمشیدی سخنگوی قوه قضاییه رژیم اعلام کرد که بیش از ۲۵۰۰ نفر در جریان اعتراضات و تظاهرات مردم بر علیه رژیم فقط در طی سه روز؛ یعنی از ۲۲ تا ۲۵ خرداد دستگیر شده اند. اتهام اکثر دستگیرشدگان "اقدام علیه امنیت ملی" و "تخریب اموال عمومی" می باشد. بلافاصله قوه قضاییه، دادستانی تهران به دستور شورای امنیت ملی حکومت دادگاههای ویژه برای رسیدگی به اتهامات دستگیر شدگان تشکیل داده و اعلام کردند که محاکمات دستگیرشدگان بزودی آغاز خواهد شد.

در حالیکه تظاهراتها و اعتراضات گسترده مردم بر علیه حکومت ادامه داشت و روزبروز بر تعداد دستگیرشدگان اضافه میشود، اخبار جنایات کهریزک رو شد. ابعاد جنایات و تجاوز به زندانیان در بازداشتگاه کهریزک و اعتراضات گسترده داخلی به حکومت، رژیم را ناچار کرد که دستور تعطیل شکنجه گاه کهریزک را صادر کند و دستگیر شدگان زندانی در کهریزک را به زندان اوین منتقل نمایند.

سران و مقامات ریز و درشت رژیم در طول این مدت چند ماهه نهایت تلاششان را به کار گرفته اند تا قضیه دستگیرشدگان به فراموشی سپرده شود. علیزغم تقلاهای رژیم

مبارزه مردم برای آزادی دستگیرشدگان و اطلاع پیدا کردن از محل زندانهای مخفی و بدست آوردن اخبار و گزارش وضعیت دستگیرشدگان، تبدیل به یک امر مهم مبارزه مردم بر علیه حکومت شده است. خانواده های دستگیرشدگان مدت چندین ماه است که به اعتراضات و مبارزه شان برای آزادی دستگیر شدگان ادامه می دهند.

درواکنش به اعتراضات خانواده های دستگیر شدگان اعتراضات چند ماهه اخیر، مقامات ریز و درشت حکومتی بی شرمانه ادعا می کنند که از ۲۵۰۰ نفر، ۱۵۰۰ نفر آزاد شده، دادگاه ۵۰۰ نفر در حال تکمیل پرونده بوده، ۵۰۰ نفر دیگر جرمشان "اقدام بر علیه امنیت ملی" می باشد که پروندهایشان در دادگاه انقلاب در حال بررسی می باشد.

واقعیت اینست که جمهوری اسلامی در موقعیتی نیست که اهداف پلید و شوم و جنایتکارانه اش را علیه دستگیر شدگان عملی نماید، و در عین حال آزاد کردن زندانیان را هم يك شکست برای خود میدانند. تجمعات هرروزه خانواده ها و اعتراضات گسترده ای که برای آزادی

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر:

محسن ابراهیمی

هیئت تحریریه:

کاظم نیکخواه، فاتح بهرامی، محمد آسنگران

مسئول صفحه بندی: آرش ناصری

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

موعد دریافت مقالات

چهارشنبه ها

11 شب بوقت اروپای مرکزی

5 بعد از ظهر بوقت شرق آمریکا

زندانیان در گوشه و کنار جهان در جریان است نیز به يك فشار بر حکومت تبدیل شده است. این پرونده هایی که برای زندانیان ساخته اند، خود به باری بر دوش حکومت تبدیل شده است.

مبارزه برای آزادی بی قید و شرط همه دستگیرشدگان اعتراضات اخیر و آزادی همه زندانیان سیاسی يك جزء ثابت و مهم مبارزه مردم بر علیه جمهوری اسلامی می باشد.

بدون شك قدرت اعتراض و مبارزه مردم، همانطوریکه در چند ماهه گذشته نشان داد، این توان و قدرت را دارد که سیاست کثیف دستگیری و شکنجه و محاکمات رژیم را به عقب

بزند. در اعتراضات جاری و بویژه در آستانه ۱۳ آبان جا دارد که خواست آزادی همه دستگیرشدگان با صدای بلند و رساتر از همیشه در اعتراضات پیش رویمان برجسته شده و تبدیل به

خواست مردم در جریان اعتراضات جاری بشود. نباید اجازه داد جانان اسلامی این وضعیت را

بیش از این کش دهند. اینها منتظرند که آنها از آسیاب بیفتند تا بتوانند سیاستهای پلید خویش را عملی نمایند. شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" يك شعار اصلی تظاهراتهای اخیر است و

جامعه این ظرفیت را دارد که این بار تظاهراتهای میلیونی با همین شعار را به جریان اندازد و در زندانها را بگشاید.*

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

لیست کمک مالی برای تظاهرات در نیویورک

سعید صالحی نیا	۳۰۰ دلار	شهلا سربابی	۳۵ دلار
رفقای دالاس	۲۵۰ دلار	بهرام کلاه زری	۳۰ دلار
هوشمند	۲۰۰ دلار	رضا صبوری	۲۵ دلار
محمد کاظمی	۱۵۰ دلار	دوستدار حزب از ونکوور	۲۰ دلار
داوود آرام، سهیلا	۱۴۰ دلار	سحر آزاد	۲۰ دلار
عباس محمدی	۱۰۰ دلار	کامیار کریمی	۲۰ دلار
مصطفی صابر	۶۵ دلار	معصومه احمدی	۲۰ دلار
مسعود آذرنوش	۵۰ دلار	امیر زاهدی	۲۰ دلار
سلیمان سیگارچی	۵۰ دلار	سامیه عسکری	۲۰ دلار
یدی محمودی	۵۰ دلار	ایرج رضایی	۲۰ دلار
رضا پایدار	۵۰ دلار	فروغ ارغوان	۲۰ دلار
حسن گلزاری	۵۰ دلار	مسعود فرزانه	۲۰ دلار
مریم، رضا رضائی	۵۰ دلار	سوسن احمدی	۲۰ دلار
بابک یزدی	۵۰ دلار	ناصر اصغری	۲۰ دلار
داریوش گلشن	۵۰ دلار	میترا دانشی	۲۰ دلار
محسن ابراهیمی	۵۰ دلار	مژگان	۲۰ دلار
آرش ناصری	۴۵ دلار	دلی	۲۰ دلار
کاه عمر	۴۰ دلار	امیر حسن زاده	۱۵ دلار
هادی وقفی	۴۰ دلار	مادلین	۵ دلار
آریان	۴۰ دلار		

لیست کمک مالی به کانال جدید

حزب کمونیست کارگری چپ عراق	۱۴۵۰ دلار
آلمان	
کمیته فرانکفورت حزب	۲۹۲ یورو
سوئد	
حسن آذری	۲۰۰۰ کرون
کودکان مقدمند	۱۴۵۰ کرون
امیر توکلی	۱۰۰۰ کرون
سیامک بهاری	۱۰۰۰ کرون
کریم شاه محمدی	۱۰۰۰ کرون
سیما بهاری	۵۰۰ کرون
اسماعیل مردوخ	۵۰۰ کرون
سوسن صابری	۵۰۰ کرون
منصور فرزاد	۵۰۰ کرون
گیتی آغاچانی	۵۰۰ کرون
غلام اکبری	۵۰۰ کرون
هوادر حزب	۵۰۰ کرون
آذر پویا	۵۰۰ کرون
شاهرخ	۳۰۰ کرون
سارا نخعی	۲۵۰ کرون
هرمزرها	۲۵۰ کرون
بدری	۲۰۰ کرون
پدرام پارسی	۲۰۰ کرون
علیرضا	۱۵۰ کرون
دنیس	۱۰۰ کرون
فاطمه کلوانی	۱۰۰ کرون
حبیب	۱۰۰ کرون
انگلیس:	
فرزان دانش	۱۲۰ پوند

از صفحه ۱ کارگران لوله سازی خوزستان ...

در يك كلام ميخواهم براي نكته تاکيد بگذارم که امروز ديگر هيچ مطالبه ای صنفی نيست. هر حرکت و اعتراضی سياسی است و فوراً به حرکتی اجتماعی تبديل ميشود. از همین رو بايد فرصت را دريافت. بطور مثال امروز بايد همه مراکز که کارگران با دستمزدهای پرداخت نشده روبرو بمانند، همه مراکز که کارگران يا بيکارسازيها درگيرند، و در هر کجا که تعرضی صورت ميگيرد، بايد کارگران حول همان خواستی که دارند، دست به اعتراض بزنند و با کشاندن اعتراض خود به جامعه و به ميان مردم، خود را برای پيش کشيدن ديگر خواستهایشان آماده کنند. در همین رابطه امروز يك خواستی که حول آن متحد شوند، خواست دستمزد حداقل يك ميليون و نقد کردن دستمزدهای پرداخت نشده است. کارگران در همین اعتراضات هر روزه خود که بر سر مسایلی مختلف دارند، ميتوانند که خواست افزایش حقوق ها در گام اول يك ميليون را در راس خواستهایشان قرار دهند. و ما شاهد اعلام اعتصابات اخطاری از سوی مراکز مختلف کارگری در رابطه با این خواست باشيم. از جمله همین امروز کارگران لوله سازی خوزستان بايد اعلام کنند که ما نه تنها دستمزدهای عقب افتاده خود را طلب ميکنيم، بلکه با توجه به گرانی و بویژه حذف همان

چالش جمهوری اسلامی بوده است. به این معنی که وقتی کارگر بیرون می آید و خواستش را مطرح میکند، او را سر میدوانند و در تداوم مبارزاتش، با نیروی انتظامی و سرکوب روبرو ميشود. و هر گاه نیز این اعتراضات به تظاهراتی چند هزار نفره تبديل شده است، فوراً رنگی سياسی بخود گرفته و شعارهایش به شعارهایی عليه حکومت تبديل شده است. نمونه آن مبارزات معلمان بود که سه سال پيش در تظاهرات هزاران نفره ای که مقابل مجلس داشتند، شعار ۲۸ سال گذشت پول نفت کجا رفت، معیشت منزلت حق مسلم ماست، از جمله شعارهای آنان بود. بویژه اینکه امروز داریم در اوضاعی انقلابی از این اعتراضات صحبت ميکنيم و نمونه لوله سازی خوزستان در همین هفته را نیز شاهد بوديم. بنابراین از همه این صحبت ها ميخواهم این نتیجه را بگيريم که اتفاقاً طرح فشرده همین خواستها از سوی کارگران، معلمان، و بخش های مختلف جامعه نه تنها شرایط را برای طرح ديگر خواستها فراهم و ممکن ميسازد، بلکه به خيزش انقلابی مردم شدت و عمق بیشتری می بخشد.

چندرغاز سوسيد از کالاهای اساسی، سطح دستمزدمان نبايد از يك ميليون تومان کمتر باشد. اجازه بدهيد بازهم مثال ديگری بزنم. امروز بطور واقعی اعتراضات کارگری الگوهای خوبی از مبارزه دارد بدست ميدهد. يك نمونه آن باز در همین هفته، فراخوان جمعی از کارگران، به نام کمیته همبستگی ايجاد سندیکای کارگران ساختمانی بود. فراخوان برای ۱۳ آبان به عنوان يك روز عمومی اعتراض با شعارهای استبداد نابود است، انقلاب پيروز است، آزادی، برابری، حکومت کارگری، زندانی سياسی آزاد بايد گردد، شکنجه و اعدام ملغی بايد گردد، و ديگر شعارها، که در آن جامعه به اعتراض گسترده عليه جنایات این رژیم و رهایی از این جهنم فراخوان داده شده است. امروز وقت اينست که کارگران با اشکال مختلف و بصورت انواع و اقسام نهاد و تشکل ها به جامعه فراخوان دهند و در صف جلوی اعتراضات خواستهای جامعه قرار گیرند. امروز وقت اينست که کارگران در همه مراکز کارگری معام عمومی خود را به عنوان محلی برای تصميم گيري جمعی خود و متحد شدنشان بدست گيرند و متشکل و متحد حول خواستهای سراسری گرد آيند. خلاصه اينکه همه مساله اينجاست که رهبران کارگری بايد خظير بودن این شرایط، را دريابند و از فرصت مطلوبی که امروز برای حمايت کل جامعه وجود دارد بيشتري استفاده را برای طرح خواستهای اساسی خود سود جويند. و مهمتر از همه در چنین شرایطی پيش از هر وقت ضروريست که کارگران در حزب سياسی خود، متشکل و متحد شوند. و من همین جا کارگران کمونیست و رادیکال و رهبران کارگری را فراخوان ميدهم که بيايد و وسيعاً در حزب کمونیست کارگری ايران، در حزب خودشان متشکل شوند و در همه مراکز کارگری واحدهای حزب را شکل دهند.*

اطلاعیه های حزب در باره اعتراضات کارگران لوله سازی خوزستان

و بقیه حقوق ها به تدریج پرداخت شود. طبق این گزارش کارگرانی که دیروز دستگیر شده بودند همگی پس از چند ساعت آزاد شدند. کارگران خواهان پرداخت فوری ۱۰ ماه و بعضاً ۱۳ ماه حقوق معوقه خود و امنیت شغلی هستند. قول پرداخت يك ماه حقوق دردی از کارگران دوا نمیکند. حزب کارگران را فرامیخواند که مجمع عمومی خود را تشکیل دهند و در مورد ادامه مبارزه برای تحقق خواست های خود تصمیم جمعی بگیرند. نقش خانواده ها در تداوم مبارزه و بسیج سایر مردم آزادیخواه در حمایت و پشتیبانی از کارگران حیاتی است. حزب خانواده های کارگران و مردم آزادیخواه اهواز را به حمایت فعال از کارگران لوله سازی برای تحقق خواست هایشان فرامیخواند.

برای خواندن اطلاعیه های حزب به سایت حزب یا روزنه مراجعه کنید:
www.wpiran.org
www.rowzane.com

کارگران و هم حمله به صف اعتراض آنها جنایت است. در اطلاعیه حزب آمده است: "اعتراض کارگران لوله سازی گوشه ای از جنبش اعتراضی و حق طلبانه عظیمی است که از چندماه قبل شروع شده است. حزب از مردم شریف اهواز و همه مردم آزادیخواه در سراسر کشور میخواند قاطعانه از کارگران لوله سازی خوزستان حمایت کنند و خواهان آزادی فوری کارگران دستگیر شده بشوند. مبارزه کارگران لوله سازی و حمایت گسترده مردم اهواز از آنها الگویی برای سایر مراکز کارگری در سراسر کشور و نویدبخش شروع فصل جدیدی از مبارزه مردم علیه حکومت اسلامی سرمایه داران است. با تمام قوا باید از این مبارزه حمایت کرد."

طبق اطلاعیه شماره ۵ حزب، "روز ۵ آبان، سرهنگ خلفیان فرمانده نیروی انتظامی اهواز به کارخانه لوله سازی خوزستان رفت و اعلام کرد که نیکنگاریم کارگران از کارخانه بیرون بیایند و راهپیمایی کنند. او همچنین گفت که قرار است حقوق يك ماه کارگران ظرف یکی دو روز آینده

رسیده بود).

کارگران در روز ۴ آبان هم شعار میدادند مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر سرمایه دار، ده ماه حقوق کارگر پرداخت باید گردد، مردم حمایت کنید. کارگران پلاکاردهائی نیز از جمله با خواست پرداخت فوری دستمزدهای معوقه در دست داشتند. در چهارراه نادری نیروی انتظامی حمله کرد و بیش از ده نفر از آنها را دستگیر کرد. کارگران مقاومت کردند و درگیری شدیدی رخ داد. کارگران با شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر نیروی انتظامی، به نیروهای سرکوب رژیم پاسخ دادند و با شعار از مردم خواستند از آنها حمایت کنند اما نیروهای انتظامی که تعدادشان بسیار زیاد بود مانع پیوستن مردم به صف کارگران شدند. کارگران متفرق شدند اما اعلام کردند که به راهپیمایی و تجمعات اعتراضی خود ادامه خواهند داد.

حزب کمونیست کارگری در اطلاعیه اش اعلام کرده است که جمهوری اسلامی و اقدامات جنایتکارانه اش علیه کارگران را شدیداً محکوم است و ندادن دستمزد

تصمیماتشان برای ادامه اعتراض بود.

طبق اطلاعیه شماره ۳ حزب، در روز سوم آبان نیز کارگران به تجمع و تظاهرات و راهپیمایی خود ادامه دادند. شمار تظاهر کنندگان در این روز به چند هزار نفر رسیده است. در این روز هم مردم پی در پی به صف راهپیمایی میبوستند و نیروهای انتظامی تلاششان این بود که از پیوستن مردم شهر جلوگیری کنند اما نتوانستند مانع این حمایت و شرکت وسیع مردم شوند. در این روز هم علاوه بر شعارهای قبلی شعار "فرماندار بی عرضه استعفا استعفا"، "زندگی انسانی حق مسلم ماست" هم داده شد.

طبقه اطلاعیه شماره ۴ حزب در روز ۴ آبان کارگران لوله سازی خوزستان بار دیگر دست به راهپیمایی و اجتماع اعتراضی زدند. اما سرکوبگران که از تداوم این حرکت و حمایت وسیع مردم شریف اهواز به وحشت افتاده بودند به صف کارگران حمله بردند و بیش از ده نفر از کارگران را دستگیر کردند. (طبق گزارشاتی بعداً دستگیریها به ۵۰ نفر

مبارزه کارگران لوله سازی خوزستان در هفته گذشته یکی از مهمترین حرکات اعتراضی بود که توجه جامعه معترض ایران را به خود جلب کرد. حزب کمونیست کارگری در اطلاعیه های مختلف، لحظات مختلف این اعتراض کارگری را ثبت کرده است.

بنا بر اطلاعیه حزب، در روز ۲ آبان کارگران لوله سازی خوزستان در ادامه اعتراضشان به ده ماه حقوق پرداخت نشده خود که از روز ۲۳ مهر شروع شده بود، از ساعت ۹ صبح به خیابان آمدند. در این روز، نیروی انتظامی تلاش میکرد مانع پیوستن مردم به صف کارگران شود اما مردم علیرغم تهدید نیروی انتظامی به صف کارگران می پیوستند و جمعیت به بیش از دو هزار نفر رسیده بود. از جمله شعارهایی که در این راهپیمایی سر داده میشد "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر سرمایه دار"، "استاندار بی عرضه استعفا استعفا"، "زندگی در ایران حق مسلم ماست" بود. یکی از اقدامات بسیار آموزنده و جالب کارگران برپایی مجمع عمومی کارگران در وسط شهر و اعلام علنی

کارگران چینی البرز جاده اصلی شهر صنعتی البرز را مسدود کردند

بنا به خبری که خبرگزاری کار جمهوری اسلامی منتشر کرده است، صبح روز ۲ آبانماه، کارگران چینی البرز در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق وعده های دروغ کارفرما، برای مدتی جاده اصلی شهر صنعتی البرز را مسدود کردند. این خبر از مراجعه نماینده استاندار به محل تجمع کارگران خبر می دهد اما از نتیجه مذاکره ایشان با کارگران چیزی نگفته است. لازم به یادآوری است که در جریان اعتراضات قبلی، کارگران چینی البرز موجودی انبار

محصولات این کارخانه را توقیف کرده بودند که کارفرما به کارگران وعده داد اگر موجودی انبار را واگذار کنند مطالبات کارگران را برآورده خواهد کرد. کارگران انبار توقیف شده را آزاد کردند، اما وقتی این اموال فروخته شد، چیزی عاید کارگران نشد.

حزب کمونیست کارگری از اعتراض کارگران چینی البرز قاطعانه حمایت می کند و از سایر مراکز کارگری و خانواده های کارگران و مردم شریف منطقه میخواند از مبارزه و خواست بحق کارگران حمایت کنند و فعالانه در تجمعات اعتراضی آنها شرکت کنند. راهپیمایی کارگران لوله سازی خوزستان و حمایت مردم آزاده اهواز نمونه خوبی از مبارزه کارگران و همبستگی مردم با آنها است. این نمونه را همه جا گسترش دهیم.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۳ آبانماه ۱۳۸۸، ۲۵ اکتبر
۲۰۰۹

سخنرانی همراه با پرسش و پاسخ

چگونگی پیشرفت و پیروزی انقلاب جاری

سخنران: حمید تقوایی
لیدر حزب کمونیست کارگری

بحثی در باره زمینه های سیاسی - اجتماعی،
مضمون طبقاتی، نقش جنبشها، نقش احزاب و
سیر محتمل انقلاب جاری در ایران

زمان: ساعت 2 و نیم تا 5 و نیم روز یکشنبه اول نوامبر

مکان: اتاق 1600، دانشگاه سایمون فریزر SFU

515 خیابان هستینگز غربی Harbour Center

حزب کمونیست کارگری ایران

تشکیلات غرب کانادا

تلفن: 6047278986

اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

اعتصاب همداری کارگران متروی تهران

علیه ماشین جنایت حکومت اسلامی پا خیزیم!

کمیته بین المللی علیه اعدام یک اعتراض جهانی را علیه اعدام در ایران و بطور مشخص اعدام کودکان و فعالین سیاسی و شرکت کنندگان در تظاهرات ها سازمان میدهد و همگان را به شرکت در این کارزار و تظاهراتی که به این مناسبت در روز ۲۰ اکتبر برگزار میشود فرامیخواند. باید همه جا به این زمینه سازی برای جنایات بیشتر از سوی حکومت اسلامی قویا اعتراض کنیم. هر جا که زندگی میکنید در هر شهری که هستید در مراکز و میدانی اصلی در مقابل سفارتخانه های جمهوری اسلامی و یا ساختمان پارلمانیها و ... اعلام تظاهرات کنید.

ما میتوانیم و باید دوش به دوش مردم در ایران، دنیا را علیه ماشین جنایت جمهوری اسلامی بسیج کنیم. مردم دنیا خود را در کنار جنبش آزادیخواهانه مردم ایران می دانند و باید کاری کنیم که این نیروی اعتراض عظیم هر چه وسیعتر برای تقویت مبارزه مردم در ایران به میدان بیاید.

برای اطلاع بیشتر از تجمعات و مراسم اعتراضی در کشورهای مختلف به سایت روزنه مراجعه کنید:
www.rowzane.com

شب و روز کار میکنند و دستمزد زیر خط فقرشان نیز توسط کارفرمایان دولتی و خصوصی بالا کشیده میشود. به این جنایت باید با اتحاد و اعتصاب پاسخ داد. بویژه اوضاع ملتبه سیاسی در ایران، شرایط بسیار مناسبی است که کارگران بطور سراسری برای عملی کردن فوری طلبها و خواستههای خود که خواستههای کل مردم بجان آمده است، به اعتراضات و اعتصابات گسترده و سراسری دست بزنند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سوسیالیستی حزب کمونیست کارگری ایران
۳ آبان ۱۳۸۸ - ۲۵ اکتبر ۲۰۰۹

شروع اعتصاب سراسیمه اعلام کردند که طی چند روز آینده تمام طلبهای کارگران پرداخت خواهد شد. کارگران با اعلام اینکه در صورت عملی نشدن وعده کارفرما به اعتصاب و مبارزه خود ادامه خواهند داد، به سر کار بازگشتند.

حزب کمونیست کارگری ایران به کارگران مترو درود میفرستد و از همه کارگران و مردم تهران می خواهد که از اعتراض و خواست کارگران مترو وسیعاً و به هر شکل ممکن حمایت کنند. نپرداختن دستمزدها یک دزدی آشکار و جنایت نسبت به کارگران و خانواده های کارگری است که

بنا به خبری که به حزب کمونیست کارگری رسیده است صبح روز ۲ آبان کارگران متروی تهران در اعتراض به عدم پرداخت چند ماه حقوق خود به مدت یکساعت و نیم دست به اعتصاب همداری زدند. این کارگران اعلام کرده اند که در صورتیکه پاسخی نگیرند به اعتراض و اعتصابات خود ادامه خواهند داد. این حرکت اعتراضی باعث مختل شدن رفت و آمد در تهران شد و بسیاری از کارکنان دیر به سر کار حاضر شدند. مردم از خواست و مبارزه کارگران مترو به شیوه های مختلف همراهی و حمایت میکردند. مسئولین شرکت متروی تهران یک ساعت پس از

نجات سه نوجوان از اعدام

خانواده های مقتولین، به جنبش علیه اعدام می پیوندند!

اختصاص دهند. این پاسخ مردمی است که از جنایت و قتل و از حکومت اسلامی جانشان به لب رسیده است. پاسخ خانواده هایی که عزیزی را از دست داده و با یک سیستم حقوقی و دولتی روبرو هستند که، نه فقط مرهمی بر درد آنها نمی نهد، نه فقط شرایط عادلانه و دقیق برای بررسی جنایات و یا جرائم ندارد، بلکه با سیستم حقوقی ارتجاعی روبرو هستند که دست آنها را نیز در اجرای حکم اعدام و یا جنایت علیه افراد به خون آلوده میکند.

کمیته بین المللی علیه اعدام و نهاد کودکان مقدمند از این رفتار متهمانه و انسانی، از سوی خانواده های داغدار مسعود روزبهنی، علی ملک پور، تاج پر و همه کسانی که مانع اعدام افراد میشوند تشکر میکند. این بخشی از حرکت ما برای پایان بخشیدن به قتل و جنایت در جامعه و قتل عمد توسط دولتهاست.

به جنبش انسانی علیه اعدام پیوندید
کمیته بین المللی علیه اعدام
نهاد کودکان مقدمند

۲۷ اکتبر ۲۰۰۹

مانده خون زنان، ارزشی نصف خون مردان دارد. در چند سال اخیر برخلاف اعتراضات گسترده جهانی حکومت اسلامی دهها کودک را اعدام کرده است. آخرین مورد آن اعدام بهنود شجاعی جوان بود که به نفرت جهانی علیه جانین حاکم بر ایران بیش از پیش دامن زد.

طبق اخباری که به ما رسیده است، در یک هفته اخیر، سه نفر از اعدام نجات یافتند چرا که خانواده های مقتولین، خواهان لغو حکم اعدام این جوانان شده اند. امیر خالقی ۱۸ ساله که در سن ۱۶ سالگی به اتهام قتل دستگیر شده بود، مصطفی نقدی ۱۸ ساله، که وی هم به اتهام قتل دستگیر شده و منتظر ۱۸ سالگی برای اجرای حکم اعدام بود، نجات یافتند، چرا که خانواده های مقتول با اجرای حکم اعدام مخالفت کردند.

همچنین در هفته گذشته، خواهر یک زن میانسال که در ایران به قتل رسیده بود، از امریکا به ایران رفت و در دادگاه اعلام کرد که خواهان لغو حکم اعدام مجید متهم به قتل بدلیل جوان بودن او است و از خانواده متهم خواست که مبلغی را برای ساختن یک موسسه خیریه در تهران به یاد و گرامیداشت خواهرش

اعدام کودکان ونوجوانان، یکی از وحشیانه ترین رفتارها در طول سی سال حکومت اسلامی ایران بوده است. در ایران جانین حاکم حتی به کودک و نوجوان هم رحم نمیکنند و با سبعیت و وحشیگری کودکان را در زندانها نگه داری کرده و به محض ۱۸ ساله شدن آنها را اعدام میکنند.

در مقابل این رفتار وحشیانه در ایران و در سراسر جهان، موجی از انزجار و نفرت، بسوی حاکمین ایران سرازیر شده و این جنایات وحشیانه با اعتراضات گسترده بین المللی مواجه شده است.

سیستم قضایی در ایران، یک سیستم قرون وسطایی و پوسیده و مبتنی بر قوانین دوران بربریت است. در این سیستم، نه فقط از تحقیق و بررسی بی طرفانه و دقیق جرائم و رسیدگی به اتهامات بر علیه افراد، خبری نیست، بلکه ساده ترین کار محکوم کردن افراد و یا حتی کودکان به اعدام و در عین حال سبعمانه ترین کار، دخیل کردن خانواده هایی است که عزیزی را در یک مورد جنایی از دست داده اند.

جمهوری اسلامی ایران قانون چشم در مقابل چشم و خون در مقابل خون را اجرا میکند و ناگفته نباید گذاشت که در این سیستم عقب

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب ها:

انگلیسی:

Account nr. 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 60-3 639 60
صاحب حساب IKK

آلمان:

Rosa Mai
Konto. Nr.: 583657502
Bankleitzahl: 37010050
Post Bank

اگر از ایران ار سال میکنید: میتوانید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن ۰۰۴ ۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸ تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم.

تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.